

## درآمدی بر نقشه دانشی و معرفتی مدیریت اسلامی

وحید خاشعی

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Khashei@atu.ac.ir

### چکیده

نظریه‌ها در مدیریت گاهی در مقام حل مسائل سازمانی است، گاهی به دنبال نشان دادن تصویری از سازمان است و گاهی به منظور مستندسازی یک تجربه عملی و عینی است و گاهی نیز به دنبال فراهم آوردن چهارچوب‌ها و نقشه راه‌هایی برای تفکر و خود دانش مدیریت است. در این کرسی نظریه نقشه دانشی مدیریت اسلامی به مثابه چهارچوب بندی و ارائه نقشه راهی برای دانش مدیریت است. مسئله اصلی این پژوهش عبارت است از فقدان نقشه راه برای تئوری پردازی در حوزه مدیریت اسلامی که سبب انسجام نظری و کارآمدی عملی باشد؛ از این رو، پنج سؤال کلیدی نیز در این پژوهش پاسخ داده می‌شود. سؤال اول: نظریه مختار در علم و معرفت علمی چیست؟ سؤال دوم: نظریه مختار در دین و معرفت دینی چیست؟ سؤال سوم: نظریه مختار در نسبت دین و علم اداره چیست؟ سؤال چهارم: نظریه مختار در روش شناسی مدیریت اسلامی چیست؟ سؤال پنجم: مسائل مدیریت اسلامی چیست؟ در این پژوهش انواع رویکردها در معرفت دینی بحث خواهد شد. نظریه دایرةالمعارفی در معرفت دینی، نظریه هرمنوتیکی

فهم دینی و معرفت دینی، نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت در معرفت دینی، نظریه گزیده‌گویی در معرفت دینی، نظریه معتزله و اشاعره در معرفت دینی و... همچنین، انواع رویکردها به علم الاداره اسلامی بررسی شد که از آن جمله می‌توان رویکرد استنباطی (تأسیسی و امضایی)، رویکرد تهذیب و تکمیل، رویکرد التقاطی و رویکرد تطبیقی را نام برد. در حوزه روش‌شناسی هم در زمینه منابع معرفت و هم درباره حجیت هرکدام از منابع و نحوه تحلیل معرفت بررسی شد. در زمینه مسائل مدیریت اسلامی می‌توان در سطح (ملی) حکومت و دولت، اخلاق کارگزاران نظام و فقه‌السیاسه را مدنظر قرار داد. در سطح (تجارت) مالی و بازرگانی، اخلاق کسب و کار و فقه‌التجاره مدنظر است و در سطح (سازمان) اداری، اخلاق اداری و فقه‌الاداره موردنظر است.

**کلیدواژه‌ها:** نظریه دایرة‌المعارفی، فقه‌الاداره، فقه‌التجاره، فقه‌السیاسه.

## مقدمه

تلقی و برداشت‌های مختلفی از نظریه و نظریه‌پردازی در جامعه علمی کشور وجود دارد. برخی نظریه را به مثابه عمل<sup>۱</sup> یعنی آنچه در حال وقوع است، می‌پندارند. این عده معتقدند که نظریه چیزی جز عمل مدیران و مجریان نیست و بافت نظری به آنها دادن کار نظریه‌پرداز است. برخی نظریه را به مثابه تصویر<sup>۲</sup> واقعیات سازمانی و مدیریتی لحاظ می‌کنند و معتقدند در هر مقطعی تصویری غالب وجود دارد که نظریه همان تصویر و نحوه‌انگاره ذهنی مدیران و اندیشمندان علمی است. برخی نظریه را به مثابه چهارچوب‌های<sup>۳</sup> اندیشه می‌انگارند و نظریه‌پردازی که نگاه پارادایمی به علم دارند یا به دسته‌بندی سیر تفکر در هر حوزه علم الاجتماع می‌پردازند نظریه را به مثابه فراچهارچوب اندیشگی تلقی می‌کنند. برخی دیگر نظریه را چیزی جز راه حل مسائل<sup>۴</sup> و مشکلات اجتماعی و سازمانی نمی‌پندارند و معتقدند نظریه یعنی آنچه بتواند دغدغه و مشکلی را از جامعه حل کند. این نگاه کارکردی به علم الاجتماع هم دائماً به دنبال مشکل‌گشایی از مسائل و مشکلات جامعه و سازمان‌ها است. اما می‌توان نظریه را به گونه‌ای دیگر نگاه کرد، بدین معنا که برای خود علم که

1. Theory as practice
2. Theory as Image
3. Theory as Framework
4. Theory as Problem solving

سوژه نظریه‌پردازی باشد دست به تأمل و تفکر بزنیم؛ به عبارت دیگر، نظریه به مثابه نقشه راه و الگوی حرکت دانش و اندیشه‌ورزی باشد.

این تحقیق به دنبال آن است که نقشه راهی برای دانش مدیریت اسلامی پیشنهاد و ارائه کند. پژوهش‌هایی که در حوزه مدیریت اسلامی انجام می‌شود در هفت صبغه کلان قابل دسته‌بندی هستند:

**پژوهش‌های با صبغه فلسفی:** این پژوهش‌ها اغلب در صدد نقد مبانی نظری مدیریت غربی یا در صدد پرداختن به چهارچوب‌های فلسفی در مدیریت اسلامی هستند.

**پژوهش‌های با صبغه نظری:** این پژوهش‌ها اغلب در صدد عرضه مفهوم نظری جدید و ساخت استعاره‌های متمایزی از اندیشه غربی هستند و در آنها صبغه تعقل و نظریه‌پردازی پررنگ‌تر از مباحث قرآنی و روایی است.

**پژوهش‌های با صبغه قرآنی:** پژوهش‌هایی که با محوریت قرآن و تفاسیر قرآنی تدوین شده است و در صدد نقد نظریه‌های غربی یا تولید نظریه‌های جدید در حوزه مدیریت است.

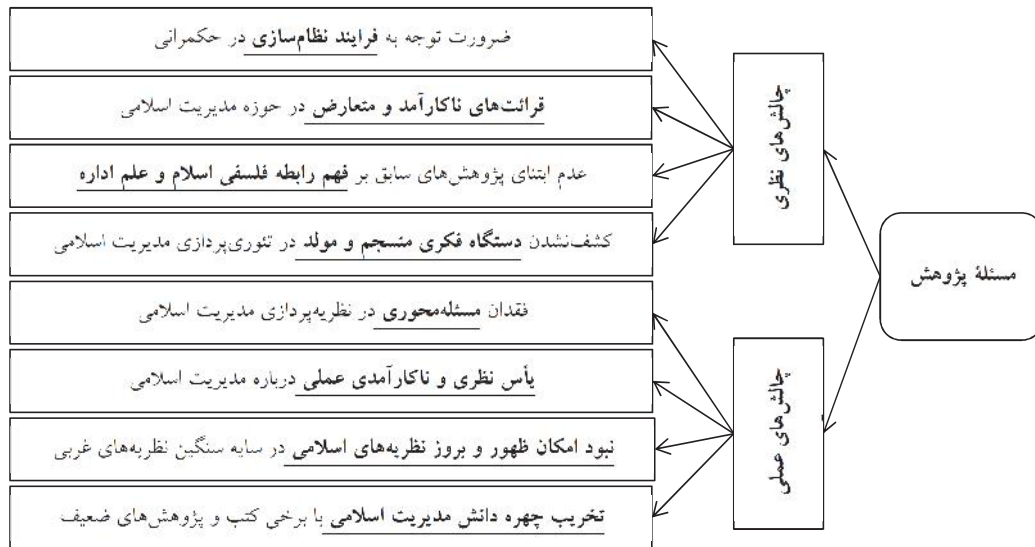
**پژوهش‌های با صبغه روایی:** این پژوهش‌ها موضوع یا مسئله‌ای را با توجه به جوامع روایی بررسی کرده‌اند. عمده این پژوهش‌ها با تأکید بر کتبی همچون نهج البلاغه یا کتب روایی معتبر صورت گرفته‌اند.

**پژوهش‌های با صبغه تاریخی:** پژوهش‌هایی که بر بررسی شیوه‌های مدیریتی و حکومتی در زمان حکومت پیامبر اکرم و امام علی علیهما السلام متمرکز شده‌اند.

**پژوهش‌های با صبغه فقهی-اجتهادی:** پژوهش‌هایی که در صدد پاسخ‌گویی به مسائل فقهی مبتلا به، با استفاده از میراث فقهی شیعه خصوصاً در عرصه‌های مدیریت مالی اسلامی صورت گرفته است.

**پژوهش‌های با صبغه انقلاب اسلامی:** با توجه به تجربه انقلاب اسلامی، سلسله پژوهش‌هایی نیز با محوریت بازپردازی اندیشه مدیریت اسلامی از خلال تجربه جمهوری اسلامی ایران به وجود آمد که اشخاص تأثیرگذار همچون امام خمینی، مقام معظم رهبری یا شهدا، و تجربه فرهنگ جهادی و ارزشی، دفاع مقدس، بسیج و نظایر آن را بررسی کرده‌اند.

اما مسئله اصلی این تحقیق از دو نوع دغدغه شکل گرفته است که در نمودار زیر آمده است:



### نمودار ۱. مسئله اصلی پژوهش (منبع: نگارنده، ۱۳۹۳)

بنابراین، مسئله اصلی پژوهش فقدان نقشه راه برای تئوری پردازی در حوزه مدیریت اسلامی است که سبب انسجام نظری و کارآمدی عملی باشد. از این مسئله سؤالات زیر به وجود می‌آید:

- ❑ سؤال اول: نظریه منتخب در علم و معرفت علمی چیست؟
- ❑ سؤال دوم: نظریه منتخب در دین و معرفت دینی چیست؟
- ❑ سؤال سوم: نظریه منتخب در نسبت دین و علم اداره چیست؟
- ❑ سؤال چهارم: نظریه منتخب در روش‌شناسی مدیریت اسلامی چیست؟
- ❑ سؤال پنجم: مسائل مدیریت اسلامی چیست؟

بنابراین، سلسله‌گام‌هایی که در این پژوهش برای ترسیم نقشه دانشی مدیریت اسلامی برداشته شده است با نمودار زیر ترسیم شده است:



### نمودار ۲. سلسله مراحل دستیابی به نقشه دانشی مدیریت اسلامی (منبع: نگارنده، ۱۳۹۳)

در خصوص مدیریت اسلامی ما با دورویکرد سلبی و ایجابی مواجه هستیم. رویکرد سلبی بدین معنا است که در مدیریت کشور به بن‌بست‌های نظری و عملی رسیده باشیم که بن‌بست‌ها، حکایت از این موارد سلبی دارد. یعنی بدانیم دانش مدیریت کشور، چه در حوزه عمومی<sup>۱</sup> و چه در حوزه خصوصی<sup>۲</sup> (شرکت‌ها و بنگاه‌ها)، ناکافی است و در حوزه عملی هم بدانیم که راه اداره کشور در حال حاضر دچار کمبودهایی است که در واقع، باید برای ناکارآمدی‌های موجود در اداره کشور راهکارهای عملی داشته باشیم. یعنی ضرورت کار در مدیریت اسلامی حاصل دغدغه‌هایی است که از بن‌بست‌های نظری و عملی در علم مدیریت به وجود آمده است؛ در واقع، توجه به نظریه پردازی در مدیریت اسلامی ناشی از ناکارآمدی نظری و عملکرد واقعی اداره کشور و بنگاه‌ها است که این ضعف‌ها یا در حوزه مبانی و مفروضات دانش مدیریت موجود است، یا در حوزه پارادایم‌ها و جهان‌بینی‌های مدیریت موجود، یا در حوزه تئوریک و نظریه‌ها، یا در حوزه روشی است، و یا در زیرساخت‌ها یا روبناها؛ از این رو، نگاه همه‌جانبه به این مسائل دغدغه کارکردن در حوزه مدیریت اسلامی را در ما ایجاد می‌کند. مهم‌ترین اشکال کارهایی که تاکنون در حوزه مدیریت اسلامی انجام شده، عدم توجه به مسائل و مشکلات نظری و عملی مدیریت است که بر دانش مدیریت منطبق است.

برای مثال یکی از آیات قرآن را بیرون کشیدند و بر یکی از اصول مدیریت فعلی انطباق داده‌اند، اما کار جدی نشده است؛ چراکه مبتنی بر مسائل و دغدغه‌های ما در حوزه نظر و عمل نبوده است. غرب بعد از رنسانس، علم را در خدمت حل مسئله درآورد و اگر علمی نتوانست برای انسان غربی حل مسئله کند و خوراک فکری و حکومت‌داری را برای غرب حل کند آن را دیگر علم نمی‌دانند و کنار می‌گذارند. بدین معنا که غرب نگاهی کاملاً کارکردی به علم دارد اما در این طرف، ما در همین رشته تخصصی خودمان، یعنی مدیریت، کتاب‌های زیوری بسیاری درباره مدیریت اسلامی نوشته‌ایم. زیرا این مشکل در آنها بسیار پررنگ است. ما نه در حوزه مدیریت اسلامی کار جدی انجام دادیم که مبتنی بر مسائل و مشکلات بنگاه‌ها و شرکت‌ها و سازمان‌های ما باشد تا مسئله را حل کند و نه در حوزه اجرا کاری انجام دادیم که ناظر بیرونی بگوید حکومت اسلامی یا کارهایی که در حکومت اسلامی در حال انجام است، الگو گرفته از نظریه اسلامی است و اتفاقاً کار را هم به نحو احسن حل کرده است. معمولاً مطالبی که به عنوان مدیریت اسلامی درمی‌آید هیچ نسبتی

1. public  
2. Private

با دانش نظری و عملی ما در حکومت‌داری پیدا نمی‌کند. موضع نفی بدین معنی است که ما پاسخ این سؤال را بدهیم که در حوزه نظر و عمل به این نتیجه رسیده‌ایم که مدیریت فعلی ناکارآمد است یا خیر؟ اگر به این قائل نباشیم، مدیریت اسلامی اصلاً به درد نمی‌خورد. زمانی می‌توانیم درباره مدیریت اسلامی صحبت کنیم که با یک یأس نظری یا عملی به مدیریت فعلی در ناکارآمدی رسیده باشیم. این دل‌بستگی به مدیریت فعلی هم متأسفانه همچنان در درجه اول در نظریه‌پردازان و بعد از آن در مجریان کشور حضور دارد. وقتی مجری نگاه می‌کند که من نظریه‌پرداز از تکنیک کارت امتیازی متوازن<sup>۱</sup> برای حل مشکل استراتژی سازمان و بنگاه استفاده می‌کنم و هنگامی که می‌بیند روش بومی اسلامی جدی هم وجود ندارد، پس او هم دل‌بسته همین علم هرچند ناکارآمد می‌ماند.

در حوزه نظر، وقتی اساتید می‌بینند در هیچ‌یک از حوزه‌های مدیریتی، از بازاریابی و استراتژیک گرفته تا رفتار سازمانی و منابع انسانی، هیچ کار جدی نشده که ملاک درسی خودش قرار دهد؛ همین کتاب ترجمه‌ای غربی را روی میز می‌گذارد و شروع به درس دادن می‌کند. در سه دهه انقلاب اسلامی شاهد هستید که انواع مدل‌های مدیریتی که تنها برای حل مشکل بوده است به کار گرفته شده‌اند. زمانی بحث توسعه اقتصادی مطرح می‌شود و گفتمان غالب می‌شود و موضوع کارگزاری و کارگزاران مطرح می‌شود و بدنه سیاسی کشور هم همان جریان می‌شوند و مدیران با همان تفکر روی کار می‌آیند و آن می‌شود گفتمان صنعت، و بنگاه‌های ما و مدیریت اسلامی دیگر اهمیت ندارد. در آنجا فقط حل این مسئله است که اولویت دارد. انتظار می‌رفت در دهه ۸۰ کشور به این سطح از بلوغ رسیده باشد که باید تغییری در نگاه مدیریتی کشور حاصل شود، در این فضای گفتمانی موضوعاتی مثل اصل ۴۴، خصوصی‌سازی، قانون مدیریت کشوری، طرح تحول جامعه اقتصادی و بسیاری از مسائل مدیریتی کشور در آن گفتمان معنا پیدا می‌کرد.

### چهارچوب نظری تحقیق

در این بخش سعی می‌شود استخوان‌بندی اصلی دستیابی به الگوی ایجابی مدیریت اسلامی در پنج گام کلیدی بررسی شود:

**گام اول، فلسفه علم:** در این گام باید به دو سؤال اساسی جواب داد: علم چیست و معرفت علمی چیست؟ یعنی فلسفه علم را مشخص کنیم و بگوییم از علم چه تعریفی داریم؟ تعریف

1. BSC: balance scored card

منتخب نگارنده از علم و معرفت علمی به اختصار عبارت است از اینکه علم باور صادق موجه<sup>۱</sup> است و معرفت علمی عبارت است از معرفتی اعم از گزاره‌های عقل، نقل، تجربه و شهود. چالش نظری علوم تجربی در سه مقام گردآوری<sup>۲</sup> (کشف)، داوری<sup>۳</sup> (قضاوت) و کاربرد<sup>۴</sup> نقش جهان بینی و ارزش‌ها وجود دارد؛ در مقام گردآوری ارزش‌های محقق در مشاهدات و پیش فرض‌های دخیل است. در مقام داوری هم ارزش‌ها در داوری و چهارچوب‌های قضاوتی مؤثر است. در مقام جهت‌گیری و کاربرد علم هم نقش زمینه اسلامی و ارزشی بسیار کلیدی است.

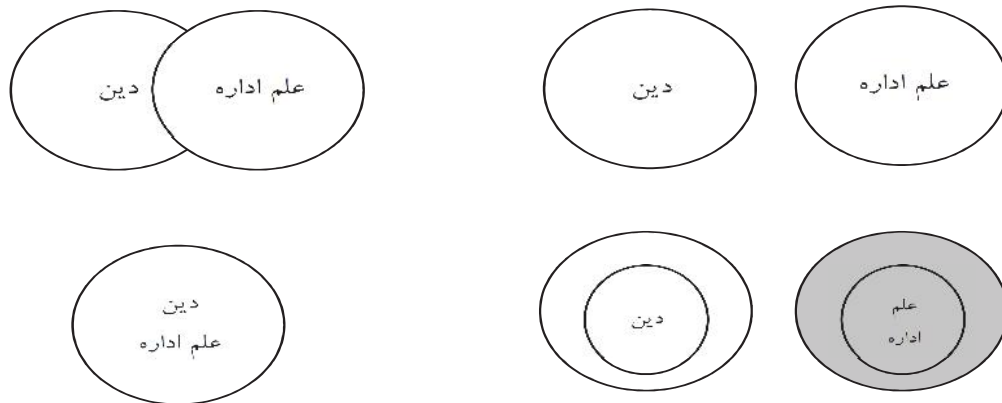
**گام دوم، فلسفه دین:** در گام دوم باید فهمید فلسفه دین چیست؟ تعریف دین چیست؟ انتظار از دین چیست؟ و دین مأمور پاسخ‌گویی به چه نیازی است؟ در این زمینه هم نظریه‌های مختلفی وجود دارد؛ هم نظریه دایرةالمعارفی دین مطرح است و هم نظریه گزیده‌گویی، اینکه دین متولی و پاسخ‌گوی کلیات و جهت‌گیری است یا دین مسئول تمامی ابعاد زندگی انسانی از تولد تا ممات و بعد از آن است یا نظریات دیگری در حوزه دین‌پژوهی مطرح است. به طور مختصر چهار نظریه مطرح و برجسته را می‌توان در این خصوص طرح کرد: نظریه دایرةالمعارفی در معرفت دین، نظریه هرمنوتیکی فهم دینی و معرفت دینی، نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت در معرفت دینی و نظریه گزیده‌گویی در معرفت دینی. هر کدام از این نظریه‌ها به همراه دلایل آنها قابل بحث و بررسی است که در این مختصر نمی‌گنجد. نظریه منتخب محقق در این گام، نظریه دایرةالمعارفی در معرفت دینی است.

**گام سوم، رابطه بین علم و دین (علم دینی):** در این مرحله باید رابطه علم و دین و انواع ارتباطی که بین علم و دین است را مشخص کنیم. آیا این ارتباط تباین است یا تعامل، وحدت است یا کثرت؛ حوزه‌ای که اخیراً در کشور ما با نام «علم دینی» زایش پیدا کرده است و ما باید آن را در مدیریت بسط و گسترش دهیم. در حوزه فلسفه علم و فلسفه دین اکنون به نظر رسیده‌ایم و در گام سوم باید مرزبندی خودمان را مشخص کنیم. مثلاً اگر اینجا به تباین برسیم و اینکه علم و دین ربطی به هم ندارند دیگر اصلاً بحثی به نام مدیریت اسلامی مطرح نمی‌شود. دیدگاه قائل به مدیریت اسلامی نگاه تعاملی بین علم و دین را پذیرفته است و اتفاقاً نگاه حداکثری به دین داریم نه حداقلی، یعنی نظریه دایرةالمعارفی دین را پذیرفته‌ایم. دین در تمامی ساحت فردی و اجتماعی انسان ورود

1. Justified Truth Belief
2. Discovery
3. Justification
4. Application



پیدا می‌کند. در گام سوم باید تکلیف ارتباط «معرفت دینی» و «معرفت علمی» نیز مشخص شود. سؤالی که بعد از تعیین رابطه علم و دین مطرح می‌شود این است که آیا معرفت علمی همان معرفت دینی است یا نه، و آیا معرفتی است که باید در ساحت معرفت دینی غربال شود؟ مثل کاری که شورای نگهبان با مصوبات مجلس می‌کند. اول انقلاب می‌گفتند نماینده مجلس باید مجتهد باشد و به علم روز هم احاطه داشته باشد تا دیگر اصلاً نیازی به فیلتر شورای نگهبان نباشد. امروزه نگاه ما به دانش مدیریت فعلی همین‌طور است. دانش مدیریت جدید مصوباتی دارد که ما باید با احادیث و روایات اسلامی صوابش را از ناصواب جدا کنیم. اما اگر قائل باشیم که اینها از ابتدا و سرچشمه باید اصلاح شود، دیگر نیاز به فیلترهای بعدی نیست و در حوزه علم دینی مشخص می‌شود. سؤال سوم در گام سوم این است که رویکرد در علم دینی چگونه است؟ آیا رویکرد تأسیسی داریم؟ یا استنباطی داریم؟ یا امضایی؟ هرچه از مدیریت آمده فقط نگاه می‌کنید و یک امضا پایش می‌زنید و تأیید می‌کنید یا رد می‌کنید؟ و هرکدام از اینها هم در کشور ما هم قائلینی دارد؛ به‌طور کلی، چهار رویکرد اساسی به علم مدیریت اسلامی وجود دارد که عبارت است از: رویکرد استنباطی (تأسیسی و امضایی)، رویکرد تهذیب و تکمیل، رویکرد التقاطی، رویکرد تطبیقی. به‌طور خلاصه نسبت‌شناسی دین با علم اداره و مدیریت را می‌توان به‌صورت زیر تصویر کرد:

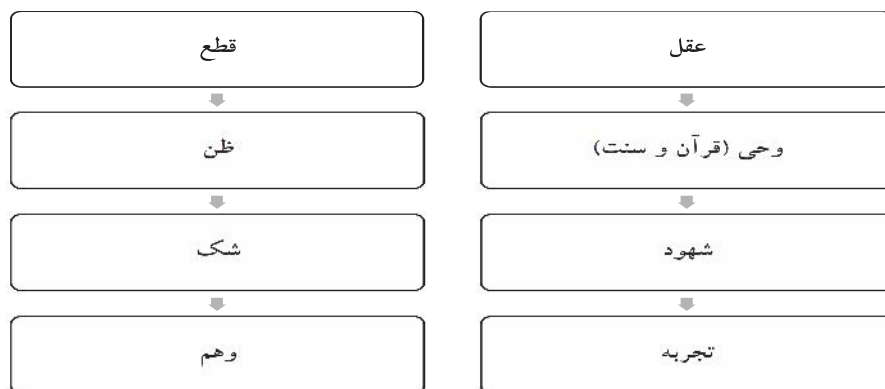


نمودار ۳. نسبت‌های دین با علم مدیریت، نسبت تباین، تساوی، عموم و خصوص من وجه، عموم و خصوص مطلق (منبع: نگارنده، ۱۳۹۳)

گام چهارم، روش‌شناسی مدیریت اسلامی: متأسفانه در حوزه روش‌شناسی در کشور ضعف‌های جدی وجود دارد؛ به یقین می‌توان گفت تحول در علوم انسانی از تحول در روش شروع می‌شود. یکی از مبادی تحول، تحول در روش است. کلیدی‌ترین معنا در روش‌شناسی تقریب به حقیقت است؛ از این رو، هر روشی که ما را بیشتر به حقیقت نزدیک کند صلاحیت بیشتری دارد.



باید بررسی کنیم که کدام روش‌ها ما را به حقیقت قریب می‌کند و کدام روش ما را از آن بعید می‌کند. قرب و بعد به حقیقت علم باید ملاک کارکرد روش باشد، چراکه فلسفه روش، حل مسئله و کشف حقیقت است. برای مثال بی‌توجهی به روش‌های کیفی و توجه ویژه به روش‌های کمی یکی از معضلات کشور است. نباید در ابتدای امر مدیریت اسلامی از روش‌های کمی استفاده کنیم؛ چراکه به التقاط می‌انجامد. باید ساحت و جایگاه هر روشی را در سیر کارمان بدانیم. اگر در روش‌شناسی قائل شدیم که دین منبع معرفت است و قرآن و روایات می‌تواند معرفت‌زا باشد و گزاره‌های آنها می‌تواند معرفت‌بخش باشد، آنگاه روش‌های اصولی و تدبیری و تفهیمی در بین دانش مدیریتی قرار می‌گیرد. چیزی که تاکنون وجود نداشته است و اتفاقاً اینها سبب می‌شود دانش مدیریت موجود گسترده شود. چون تا به حال فقط تجربه را منبع معرفت می‌دانستند و حالا وحی و دین را هم جزء منابع می‌دانند؛ پس منابع بیشتری در اختیار انسان قرار می‌گیرد. وقتی دین به‌عنوان منبع معرفت در نظر گرفته می‌شود، روش‌های استنباط از دین هم در تحقیقات ورود پیدا می‌کند. یادگیری و آموزش این روش‌ها جا پیدا می‌کند و در دانشگاه‌ها و مراکز علمی ما آموزش روش‌های فهم دینی نیز رواج می‌یابد؛ به عبارت دیگر، افزایش منابع معرفت و تکثر روش در حوزه علوم انسانی به کشف بهتر حقایق کمک می‌کند.



#### نمودار ۴. منابع معرفت و میزان حجیت گزاره‌های معرفتی (منبع: نگارنده، ۱۳۹۳)

در روش‌شناسی مدیریت اسلامی برای گزاره‌های تجربی هم حجیت قائل هستند، اما میزان خطا و اشتباه آنها محل تشکیک است. گزاره‌های تجربی قطع‌آور و یقینی نیستند و میزانی از احتمال خطا در آنها وجود دارد. گزاره‌های قرآنی و سنت‌قطعی همانند گزاره‌های عقل‌برهانی، قطع‌آور و یقینی هستند و در بقیه منابع معرفت هم میزانی از خطا وجود دارد.

گام پنجم، مصداق‌شناسی و نمودهای مدیریت اسلامی و الگوها: در حوزه مصادیق می‌توان الگوهایی که در طول تاریخ اسلامی موفق عمل کرده‌اند را به عنوان تجربه‌های موفق تک‌نگاری کرد. سبک مدیریت پیامبر اسلام (ص) و سایر انبیا، سبک و سیره امیرالمؤمنین (ع)، سبک مدیریتی رهبران اسلامی همچون امام خمینی (ره)، تک‌نگاری نهادهای موفق و مفید همچون جهاد سازندگی، سیره مدیریتی و رهبری الگوهای موفق سرداران دفاع مقدس و مواردی از این قبیل می‌تواند بررسی و مدل‌سازی شود.

در زمینه مسائل مدیریت اسلامی نیز جداول زیر تحلیل شد. با توجه به مطالب یادشده، نقشه مدیریت اسلامی در سه سطح ملی، تجارت و سازمان از دو منظر فقه و اخلاق ترسیم و تبیین می‌شود. در این نقشه، در سطح ملی، مباحث فقه‌السیاسه و اخلاق کارگزاران نظام معرفی می‌شود. در سطح تجارت مالی و بازرگانی، فقه‌التجاره و اخلاق کسب و کار دو حوزه تعیین‌کننده است و فقه‌الاداره و اخلاق اداری نیز در سطح سازمان، مؤلفه‌های اصلی این نقشه را تشکیل می‌دهند.

جدول ۱. ساحت‌های مدیریت اسلامی (نگارنده، ۱۳۹۳)

ساحت مدیریت اسلامی	فقه	اخلاق
سطح (ملی) حکومت و دولت	فقه‌السیاسه	اخلاق کارگزاران نظام
سطح (تجارت) مالی و بازرگانی	فقه‌التجاره	اخلاق کسب و کار
سطح (سازمان) اداری	فقه‌الاداره	اخلاق اداری

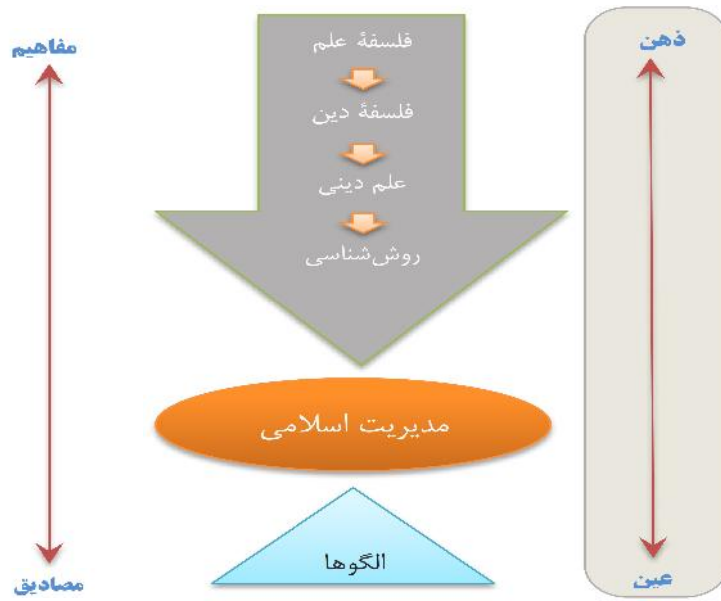
جدول ۲. نظام موضوعات قابل طرح در حوزه مدیریت اسلامی در سطوح مختلف (نگارنده، ۱۳۹۳)

ساحت موضوعات مدیریت اسلامی	فقه	اخلاق
سطح (ملی) حکومت و دولت	ولایت فقیه حدود اختیارات دولت عدالت احکام جهاد و قضاوت و ...	خصایص و ویژگی‌های کارگزاران رهبری اسلامی اخلاق حکمرانی

تعهدات و مسئولیت‌های تجاری نگرش‌های اسلامی در تجارت معنویت در تجارت	احکام بیع و مکاسب احکام خیارات احکام عقود و ایقاعات قواعد فقهی تجارت بین‌الملل ابزارهای مالی اسلامی	سطح (تجارت) مالی و بازرگانی
رفتار اسلامی در سازمان معنویت سازمانی اخلاقیات و مسئولیت‌های منابع انسانی	احکام روابط و ارتباطات سازمانی انواع مدیریت و رهبری در سازمان وظایف و اختیارات مدیریت	سطح (سازمان) اداری

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی بر این بود که چهارچوب و نقشه‌راهی برای دستیابی به دانش مدیریت اسلامی کشف شود. به نظر می‌رسد برای رسیدن به مدیریت اسلامی «دوک ذهن و عین؛ مصادیق و مفاهیم» بسیار راهنما است. اگر هم‌زمان چهار گام اول بالا و گام پنجم به‌صورت هم‌زمان از پایین انجام شود، به الگوی مدیریت اسلامی خواهیم رسید. کسی می‌تواند این الگورا پیاده‌سازی کند که از یک طرف، درگیر مدیریت و مبانی اداره سازمان‌ها و کشور است و از سوی دیگر، درگیر مبانی دانشی مدیریت است که شامل همان فلسفه علم، فلسفه دین و علم دینی و... است که وقتی این دو سر دوک به هم پیوند پیدا کردند، شاهد زایش الگوی مدیریت اسلامی خواهیم بود. واگر نه، چیزی که تا به حال داشتیم یکی از دو سر این دوک بوده ولی هیچ‌گاه متصل نبوده است. تمامی فضایی که توصیف شد با افرادی به نام «کارگزار تغییر» حاصل می‌شود؛ کسانی که هم مجتهد هستند و هم تجربه علمی در حوزه دانش مدیریت. مجتهد علوم اسلامی و تجربه دانشی در حوزه مدیریت می‌تواند الگورا تولید کند. افرادی مانند شهید صدر، شهید مطهری و شهید بهشتی؛ کسانی که خودشان در درون و درگیر اداره سازمان‌ها و کشور بوده‌اند.



نمودار ۵. فرایند رفت و برگشتی ذهن و عین در مدیریت اسلامی (منبع: نگارنده، ۱۳۹۳)

## کتابنامه

۱. آلن اف. چالمرز. ۱۳۸۳. چيستی علم؛ درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی. ترجمه سعید زيباکلام. تهران. سمت.
۲. افجه ای، سید علی اکبر. ۱۳۸۵. مدیریت اسلامی. بی‌جا. جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبایی (ره).
۳. باقری، خسرو. ۱۳۸۷. هویت علم دینی؛ نگاهی معرفت‌شناسانه به نسبت دین با علوم انسانی. تهران. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. بستان (نجفی)، حسین؛ همکاران. ۱۳۸۷. گامی به سوی علم دینی؛ ساختار علم تجربی و امکان علم دینی. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. \_\_\_\_\_ ۱۳۸۷. گامی به سوی علم دینی؛ روش بهره‌گیری از متون دینی در علوم اجتماعی. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع). ۱۳۹۱. گفتارهایی در علم دینی. بی‌جا. انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۷. پاکتچی، احمد. ۱۳۹۱. روش تحقیق با تأکید بر علوم قرآن و حدیث. تهران. انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۸. جمشیدی، محمد حسین. ۱۳۸۷. مبانی و روش‌شناسی تبیین. تهران. انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۹. جوانعلی آذر، مرتضی. ۱۳۹۱. سیمای سازمان از نگاه اسلام در پرتوی استعاره امانت. تهران. انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۰. جَوَدَتْ أَبُو الْعَيْنَيْنِ، جمیل. ۲۰۰۲. اصول الإدارة من القرآن و السنه. بی‌جا. دار و مکتبه الهلال.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹. منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم. انتشارات مؤسسه اسراء. چاپ پنجم.
۱۲. \_\_\_\_\_ ۱۳۸۹. شریعت در آینه معرفت. قم. انتشارات مؤسسه اسراء. چاپ ششم.
۱۳. خندان، علی اصغر. ۱۳۸۸. درآمدی بر علوم انسانی اسلامی. تهران. انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۴. دلشاد تهرانی، مصطفی. ۱۳۹۰. سیره نبوی دفتر سوم؛ سیره مدیریتی. تهران. انتشارات دریا. چاپ چهارم.
۱۵. \_\_\_\_\_ ۱۳۹۰. ارباب امانت: اخلاق اداری در نهج البلاغه. تهران. انتشارات دریا. چاپ دوازدهم.

۱۶. \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۰. دلالت دولت: آیین‌نامه حکومت و مدیریت در نهج البلاغه. تهران. انتشارات دریا. چاپ دوم.
۱۷. \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۰. رایت درایت: اخلاق مدیریتی در عهدنامه مالک اشتر. تهران. انتشارات دریا.
۱۸. ذوالفقارزاده، محمد مهدی. ۱۳۸۹. درآمدی بر مدیریت صالحین: رویکردی آینده‌نگر. تهران. انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۹. رجحان، سعید. ۱۳۹۰. مبانی استنباط در حقوق اسلامی و حقوق موضوعه. جلد اول و دوم و سوم. تهران. انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۰. رشاد، علی اکبر. ۱۳۸۹. منطق فهم دین. تهران. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۱. زریباف، سید مهدی. ۱۳۹۰. تحلیلی بر سیر شناخت و روش‌شناسی علم اقتصاد. تهران. انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۲. سوزنچی، حسین. ۱۳۸۹. معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی. تهران. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲۳. صدر، سید محمد باقر. ۱۴۰۸. اقتصادنا. لبنان. دارالتعارف للمطبوعات.
۲۴. علی پور، مهدی؛ حسینی، سید حمید رضا. ۱۳۸۹. پارادایم اجتهادی دانش دینی (پاد). بی‌جا. انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ دوم.
۲۵. علی احمدی، علیرضا؛ علی احمدی، حسین. ۱۳۸۳. مبانی و اصول مدیریت اسلامی. تهران. تولید دانش.
۲۶. قوامی، صمصام‌الدین. ۱۳۸۳. مدیریت از منظر کتاب و سنت. قم. دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
۲۷. گلشنی، مهدی. ۱۳۸۸. از علم سکولار تا علم دینی. تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۸. مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۷۹. پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی. بی‌جا. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۹. معلمی، حسن. ۱۳۷۸. نگاهی به معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی. تهران. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۰. \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۵. نگاهی به معرفت‌شناسی در فلسفه غرب. تهران. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۳۱. \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۶. پیشینه و پیرنگ معرفت‌شناسی اسلامی. تهران. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۲. میر معزی، سید حسین. ۱۳۹۰. نظام اقتصادی اسلام. تهران. سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۳. \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۰. فلسفه علم اقتصاد اسلامی. تهران. سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۴. \_\_\_\_\_ . ۱۳۹۰. اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی. تهران. سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۵. نبوی، محمد حسن. ۱۳۷۵. مدیریت اسلامی. قم. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۶. نجاری، رضا. ۱۳۸۵. مبانی مدیریت اسلامی. بی‌جا. انتشارات دانشگاه پیام نور.
۳۷. نقی پورفر، ولی‌الله. ۱۳۸۲. مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام. تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی.
۳۸. \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۵. اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن. بی‌جا. انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۳۹. هاشمیان، محمد حسین. ۱۳۹۱. استعاره راه، پرسش از هستی سازمان. تهران. انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).



